

بحران اخیر و اقتصاد ایران

فرهاد فرهنگ

اقتصاد ایران از دو درد مزمن رنج می برد. تورم و رکود. اولی عامل گرانی و دومی عامل بیکاری. اولی به دلیل کسر بودجه های طولانی مدت دولت و افزایش نقدینگی به وجود می آید و دومی به دلیل ناامنی و مناسب نبودن شرایط برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی و نبود قوانین مناسب و سیستم بانکی پویا و دهها عامل دیگر حادث شده است. فشار اولی را مردم روزانه به صورت افزایش قیمت ها احساس می کنند و دومی را نیز بیش از همه در کساد بازار و نبودن کار و شغل می بینند.

از دوماه پیش از انتخابات ریاست جمهوری دهم، به دلیل بلا تکلیف بودن دولت و دست نگهداشتن برای مشخص شدن دولت آینده، هر دو عامل تشدید شد. اما بعد از انتخابات به دلیل کودتای نظامی که نتیجه انتخابات را مخدوش کرد و آقای میر حسین موسوی را از ریاست جمهوری باز داشت، دولت آقای احمدی نژاد را می خواهد به زور به ملت ایران تحمیل کند، اعتراضات پی در پی ملت شکل گرفت و هم زمان نیز کودتاگران دست به خشونت و سرکوب زده و مردم را کشتار و دستگیر و شکنجه کردند. متقابلاً مردم نیز باز نایستادند و به مقاومت خود ادامه می دهند. این بحران که جامعه ایران را فرا گرفته قصد باز ایستادن ندارد. آقای خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی نیز متقابلاً از پشتیبانی دولت آقای احمدی نژاد کوتاه نیامده و مراسم تنفیذ و تحلیف او هم انجام شده است. بنابر این دولتی که از طرف مردم تهدید می شود و هیچ کس قصد همکاری با آن را ندارد و مخالفین هم قسم شده اند که آن را ساقط کنند، امکان اداره درست کشور را ندارد.

مجموع این شرایط به شدت روی هر دو عامل تورم و رکود تأثیر گذاشته است و اقتصاد بیمار ایران را بیمار گونه تر کرده است. در دو ماه گذشته با تشدید بحران روند خروج سرمایه از ایران تشدید شده است. سرمایه گذاری های جاری کشور تعطیل شده و بانک ها غیر فعال گشته اند. هنوز آمار رسمی منتشر نشده اما مطالعات غیر رسمی نشان می دهد که تورم بیشتر شده، نرخ بیکاری افزایش یافته و تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است.

مطمئناً ادامه وضعیت موجود در چند ماه آینده بر وخامت وضع اقتصادی کشور خواهد افزود.